

# عثمانی گرای و تشدید گسل های سیاسی اجتماعی ترکیه

«عثمانی گرایی در حوزه داخلی»

دست کم ۳ میلیون نفر از آنها، از کردهای علوی هستند

«عثمانی گرایی در حوزه خارجی»

از سوی دیگر پارادایم عثمانی گرایی سیاست خارجی ترکیه را نیز فرا گرفته است. سران حزب عدالت و توسعه در تلاش برای احیای نفوذ خود در مرزهای امپراتوری عثمانی به ویژه بعد از آغاز جنبش های عربی در منطقه دچاریک بیش فعالی دیپلماتیک شد. اتخاذ رویکرد ایدئولوژیک در تعامل با کشورهای منطقه و تلاش برای تعریف آنکارا به عنوان رهبر جهان اسلام باعث تشدید شکاف "سکولار - اسلام گرا" در داخل ترکیه شد. علاوه بر این ماجراجویی دولت اردوغان در قبال کشورهای همسایه به ویژه در سوریه و حمایت از جریان های تکفیری نه تنها گسل "سنی - علوی" و "ترکی - کردی" را تحریک کرده بلکه باعث شده تنازع و به هم ریختگی در عرصه بین الملل و عدم توفیق سیاستمداران حزب عدالت توسعه در سیاست خارجی بازتابی درونی بیابد. واقعیت آن است که ماجراجویی در عرصه سیاست خارجی برای کشوری که گردشگری یکی از ستون های اقتصادی آن محسوب می شود نوعی خود کشی است. کاهش روابط ترکیه با عراق، ایران و سوریه در پی بیش فعالی دستگاه دیپلماتیسی این کشور باعث شده تا نرخ رشد اقتصادی این کشور با کاهش مواجه شده و دولت اردوغان محسوب می شوند ضرر گسترده ای را متحمل شوند. علاوه بر این کشیده شدن درگیری های سوریه به داخل خاک ترکیه (مانند انفجار ریحانی) و هزینه حضور صدها هزار آواره سوری در خاک ترکیه در کنار ورشکستگی اقتصادی استان های مرزی این کشور باعث رکود گردشگری شده

است امری که باعث دوبرابر شدن نرخ بیکاری در ترکیه شده است. اینها همه هزینه هایی است که به اعتقاد اپوزیسیون ترکیه تنها به خاطر جاه طلبی های شخص اردوغان متحمل می شوند. عثمانی گرایی به عنوان دال مرکزی گفتار حزب عدالت و توسعه چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی رو به افول است. رویاهای اردوغان و سردمداران این حزب برای حضور در قدرت تا یکصد سالگی ترکیه مدرن تنها در حالتی تحقق می یابد که عقلای این حزب به بازسازی و ترمیم گفتار خود با توجه به واقعیات جامعه ترکیه بپردازند.

در بعد داخلی تصمیم اردوغان برای افزایش اختیار از طریق تغییر قانون اساسی و تلاش برای تداوم حضور در قدرت تحت عنوان رئیس جمهور (آن چه منتقدان بوتنیسم می خوانند)، در کناری به توجیهی به ساخت موزاییک فرهنگی - قومیتی ترکیه و تاکید بر عثمانی گرایی در حوزه داخلی باعث شده تا سه گسل اجتماعی "سنی - علوی"، "سکولار - اسلام گرا" و "ترکی - کردی" در داخل این کشور به حرکت در آمده و جنبش های اعتراضی اجتماعی را به وجود آورد. ترس از احیای سیستم خلافت و بازگشت به دوران ماقبل کمالیسم (که نمونه بارز آن در تغییر نظام حکومتی از پارلمانی به ریاستی و تخریب پارک قزی به منظور احیای یکی از آثار دوران عثمانی می باشد) باعث شده تا جریان سکولار در این کشور هویت خود را در خطر ببیند. جدال اخیر میان حزب عدالت و توسعه و جنبش حریمت و طرفداران فتح الله گولن را می شود در همین چارچوب بررسی کرد. این در حالی است که احترام بیش از حد به سلاطین عثمانی که در قتل عام کردها و علوی های ترکیه نقش به سزایی داشته اند شکاف های سنی کردی و علوی سنی را در این کشور عمیق تر می سازد. آخرین نمونه آن را می توان در نامگذاری پروژه ساخت بزرگترین و عریض ترین پل ترکیه به نام «یاووز سلطان سلیم» مشاهده کرد. امری که باعث شد «حسین آیکون» نماینده «در سیم» و از سیاستمداران گرد علوی اعلام کند که «یاووز سلطان سلیم خون هزاران علوی را ریخته و نباید بزرگترین پل ترکیه با نام او نامگذاری شود. وی همچنین به این موضوع اشاره کرده که دولت اردوغان با این اقدام خود نشان داده که برای برادران بین علویان و اهل سنت، پیشیزی ارزش قائل نیست و ترجیح می دهد نام یک جلد را در ذهن نسل های آتی حک کند. «این در حالی است که در ترکیه بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون علوی

زندگی می کنند که

«اردوغان مرسی ترکیه است و ستاره اقبالش رو به خاموشی است. در سنی را که مصریها به اخوان المسلمین دادند در ترکیه نیز تکرار خواهد شد»

شاید همین نوشته مصطفی بکری نویسنده و خبرنگار مصری در روزنامه المنار فلسطین بود که اردوغان را وا داشت تا در مراسم افتتاح فرودگاه جدیدی استان «آدیامان» واقع در شرق ترکیه به اپوزیسیون هشدار دهد که «ترکیه، مصر یا سوریه نیست که بشود آن را به ناآرامی کشاند. این که آنکارا» قاهره» و یا «تقسیم» تکرار «التحریر» باشد پانه با اما و اگرهای زیادی رو به رو است اما آن چه که این روزها بر کسی پوشیده نیست واقعیتی است که لوموند دیپلماتیک از آن به ناخوشی سلطان ترکیه یاد می کند. حزب عدالت و توسعه یک دهه پس از حضور بی رقیب در قدرت در حالی خود را برای سکنداری دوباره کاخ چانکایا آماده می سازد که نه در عرصه داخلی و نه در فضای بین الملل با دهایی موافق با جاه طلبی های سران آن در جریان نمی باشد. اردوغان روزهای بسیار دشواری را سپری می کند. ایامی که گویی در آن روند تحولات معطوف به فرو ریختن شمایل کاریزماتیک وی است. در حالی که دستگاه دیپلماتیسی ترکیه هر روز بیش از دیروز خود را در صفحه شطرنج خاورمیانه و شمال آفریقا آچمز می یابد و طوفان بادهایی که طی دو سال اخیر در منطقه کاشته است را در می کند، در تناظری آشکار، فضای سیاست داخلی ترکیه نیز نزدیک بیش از یک سال است که روی آرمش به خود ندیده است؛ اعتراضات پارک غزی، رسوایی اخیر مالی دولت، درگیری با جنبش گولن، بی سرانجامی طرح صلح با پک ک، طرح اصلاح خوابگاه های دانشجویی، محدود سازی رسانه ها و قانون فیلترینگ اینترنت، افزایش اختیارات سازمان امنیت ترکیه میت و محدود ساختن قوه قضائیه و در بالاتر از همه اینها برخورد زننده، رفتار رنجش آور و تمایل فزاینده «رجب طیب اردوغان» نخست وزیر ترکیه به خود کاظمی، از وی چهره ای منفی ساخته است. به نظر می رسد که رفتار او حتی هم حزبی هایش در «حزب عدالت و توسعه» را نیز عصبی کرده است.

جستجوی آینده در گذشته

در یک تقسیم بندی کلی، سیاست های دولتی که منجر به شکل گیری شکل گیری وضعیت موجود برای حزب عدالت و توسعه در ترکیه شده است را می توان در دو مقوله یعنی «عثمانی گرایی در حوزه داخلی» و «عثمانی گرایی در حوزه خارجی» دسته بندی کرد. هاگان یاووز در اثر ارزشمند خود تحت عنوان «سکولاریسم

و دموکراسی اسلامی در ترکیه با اشاره به مولفه های هویتی حزب عدالت و توسعه می نویسد: یکی از

این مولفه ها قرائت خاص از تاریخ عثمانی است که ساخته و پرداخته ظفر، شکوه و گستره هویت ترک است. یکی از عناصر وحدت آفرین در رهبری حزب، باور عمیق به نقش کلیدی گذشته عثمانی در آینده ترکیه و احساس دلنگی و حسرت دائمی نسبت به این دوران و حتی دوره سلجوقی است.

